

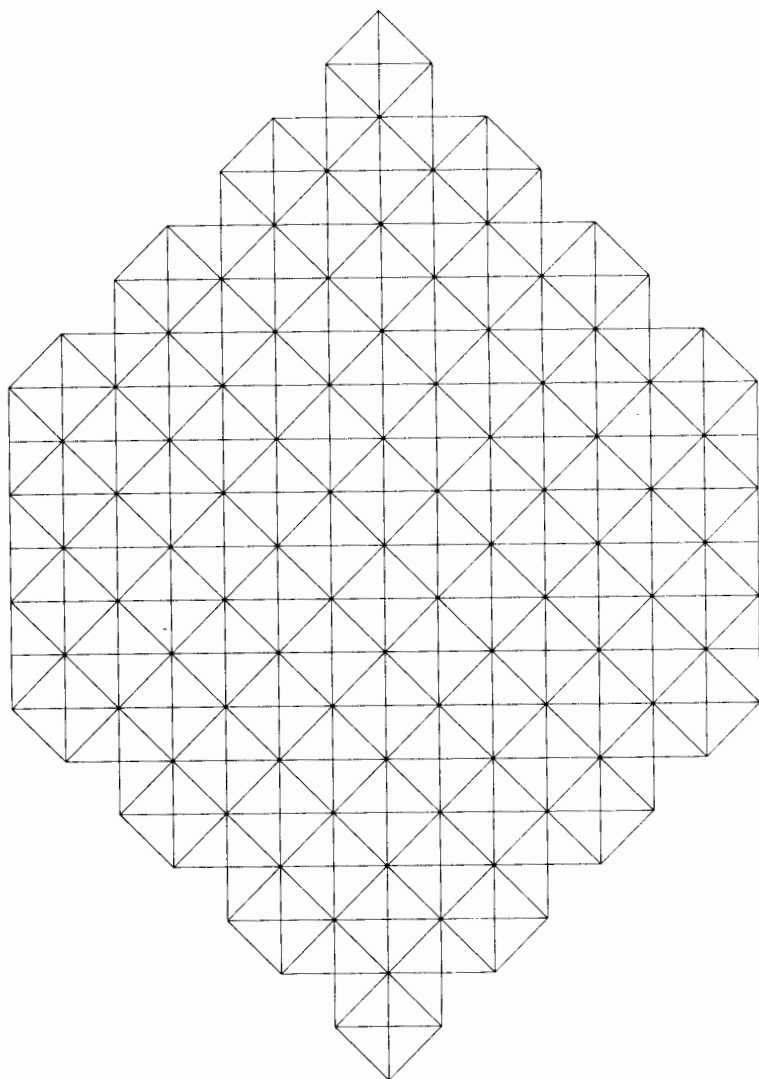
دیباچه‌ای بر دین زردشتی

جنی زر

ترجمه‌ی اسکر بهرامی



دیباچه‌ای بر دین زردشتی



سرشناسه: رز، جنی، ۱۹۵۶ م

Rose, Jenny

عنوان و نام پدیدآور: دیباچه‌ای بر دین زردشتی / جنی رز؛ ترجمه‌ی عسکر بهرامی

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۳۶۱ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱-۰۷۵۵-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Zoroastrianism: an introduction, c2011

موضوع: زردشتی

موضوع: شناسه‌ی افزوده: Zoroastrianism

موضوع: زردشتی -- تاریخ

موضوع: Zoroastrianism--History

شناسه‌ی افزوده: بهرامی، عسکر، ۱۳۴۶، مترجم

رده‌بندی کنگره: BL1۵۷۲

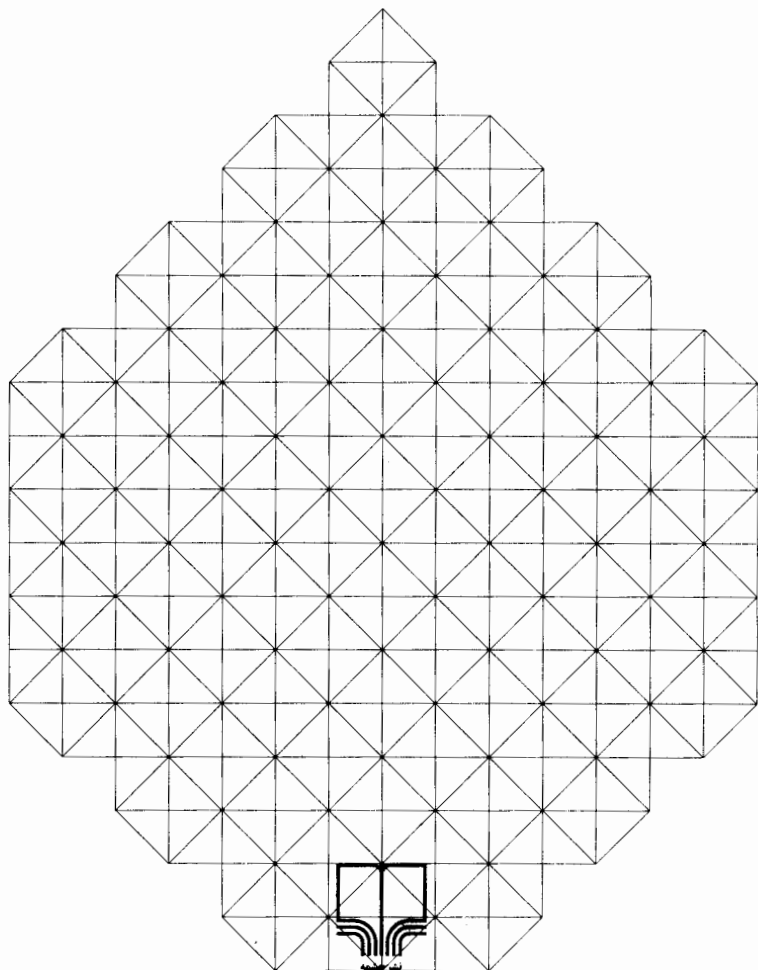
رده‌بندی دیویی: ۲۹۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۷۳۶۵۸۰۹

دیباچه‌ای بر دین زردشتی

جنی رز

ترجمه‌ی عسکر بهرامی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Jenny Rose, Zoroastrianism: An Introduction, I. B.Tauris & Co. Ltd, 2011

رده‌بندی نشر چشمه: علوم انسانی - تاریخ و اسطوره

دیباچه‌ای بر دین زردشتی

جنی رز

ترجمه‌ی عسکر بهرامی

ویراستاران: هومن عباسپور، مریم رفیعی

مدیر هنری: فؤاد فراهانی

همکاران آماده‌سازی: صحرا رشیدی، منصوره مهدی‌آبادی

ناظر تولید: امیرحسین نخجوانی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: نقش‌ایران

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.


هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱-۰۷۵۵-۲

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کریم‌خان: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش‌میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کورش: تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۹ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نیش خیابان فخار مقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل. تلفن: ۳۲۳۳۴۵۷ (۰۱۱) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کارگر: تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی جم: تهران، نیلورزان، جماران، مجتمع تجاری جم‌سنتر، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱. تلفن: ۲۶۴۵۰۸۷۲ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی دلشدگان: مشهد، بلوار وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد هجده و بیست (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی رشت: رشت، خیابان معلم، میدان سرکل، ابتدای کوچه‌ی هفدهم. تلفن: ۲۱۴۹۸۴۸۹ (۰۹۰) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی البرز: کرج، عظیمیه، بلوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مهرادمال، طبقه‌ی پنجم. تلفن: ۳۵۷۷۷۵۰۱ (۰۲۶)

www.cheshmeh.ir

 cheshmehpublication

 cheshmehpublication

تلفن بخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

یادداشت مترجم ۱۱

سپاس‌گزاری ۱۳

دیباچه‌ای بر دین زردشتی ۱۹

- بخش اول: در این «ایسم» چه چیزی هست؟ ۱۹
بخش دوم: وضعیت ۲۲
نقشه‌ی دین زردشتی ۲۳
زردشت ۲۷
پی‌نوشت ۲۷

فصل یکم | زردشتیان: اکنون و گذشته ۲۹

- زردشتیان امروز: دینی زنده ۲۹
«دین زردشتی» و آن‌گاه ۳۷
یک کهن‌زادبوم ۳۸
پیدایش نظم ۴۰
الف. اندیشه‌ی نیک ۴۱
ب. مضامین مشترک هندوایرانی ۴۲
پ. آیینی یا غیرآیینی؟ ۴۴
ت. مضامین اصیل گاهانی ۴۶
۱. نخستین چیزها: گیهان‌شناسی ۴۶

۴۷	۲. اخلاق
۴۹	۳. امشاسپندان
۵۱	۴. واپسین چیزها
۵۱	فرجام آدمی
۵۲	پایان جهان
۵۴	سوشیانت‌ها
۵۵	۵. برآمدن اشه در اوستای متأخر
۵۵	ث. میثره
۵۶	ج. وندیداد
۵۸	ج. فرجام‌ها در اوستای متأخر
۵۸	۱. پایان راه
۵۹	۲. سوشیانت
۶۰	۳. یمه (جم)
۶۲	۴. فروشی‌ها

فصل دوم | ایرانیان باستان: راست‌گویان و پردیس‌سازان ۶۳

۶۴	منابع
۶۶	جهان‌بینی اوستایی؟
۶۶	۱. نام‌های اوستایی
۶۹	۲. گاه‌شماری اوستایی
۷۰	۳. گیهان‌شناسی ایرانی باستان
۷۴	۴. اخلاق فرمانروایان هخامنشی
۷۴	برداشت‌های بیرونی
۷۸	دریافت‌ها از خویشتن
۷۹	برپاداشتن نظم
۸۰	نشان‌های فرمانروایی نیک
۸۲	آداب دینی ایرانیان باستان
۸۲	۱. مکان
۸۴	الف. جایگاه آتش
۸۵	ب. جایگاه آب‌ها
۸۵	پ. شمایل‌کده‌ها
۸۸	ت. دیودان: جایگاه خدایان دروغین

۸۸	۲. دین آگاهان
۸۹	الف. نثار
۹۰	ب. دیگر آداب نثار
۹۴	پ. مراسم هنومه
۹۵	ت. حکمت مغان
۹۶	آگاهی از پردیس
۱۰۱	برخورد با دیگری

فصل سوم | دین زردشتی از سلوکیه تا سیستان: دوره‌ی اشکانی ۱۰۴

۱۰۸	منابع
۱۱۱	حفظ جهان‌بینی اوستایی
۱۱۳	۱. نام‌ها و گاه‌شماری اوستایی
۱۱۴	۲. شمایل‌پردازی
۱۱۵	گیهان‌شناسی اشکانی
۱۱۷	زمانی برای فرمانروایی نیک
۱۱۷	۱. پهلوانان اشکانی
۱۱۸	۲. برداشت یهودیان از حکومت اشکانیان
۱۱۹	۳. «فرمان نیک» در سنگ‌نگاره‌های فرمان‌های بودایی
۱۲۰	نشان‌های فرمانروایی نیک
۱۲۰	۱. خورنه
۱۲۱	۲. اعطای حلقه‌ی شاهی
۱۲۳	آداب دینی اشکانیان
۱۲۳	۱. آتشکده
۱۲۷	۲. نثار به آتش و آب
۱۲۹	آن‌گاه که مردمان شاد بوند
۱۳۱	موج‌های فرجام‌شناختی
۱۳۵	معراج، دهر، مکاشفه
۱۳۹	زردشت‌های بسیار: فرزاندانی از شرق

فصل چهارم | ایرانشهر: کانون ساسانی جهان ۱۴۳

۱۴۴	ایرانشهر: صحنه‌ی رویدادها
-----	-------	---------------------------

۱۴۷	پاسداشت اوستا
۱۵۰	ایران شهر: کانون جهان مزدیسنايي
۱۵۳	شکل جهان
۱۵۷	مفاهيم زمان
۱۵۸	جددينان
۱۵۹	پشتيباني از دين به
۱۶۰	دين آگاهان
۱۶۴	اندرزنامه
۱۶۵	بهدينان
۱۶۷	آتش هاي وقفي
۱۷۰	پرستش آبها
۱۷۲	گاه شماری جشنها
۱۷۵	مرگ و جهان ديگر
۱۸۰	واپسين شاهان

فصل پنجم | زردشتيان آسيای مرکزی ۱۸۴

۱۸۷	بگذار: مردگان سخن بگویند: دخمه‌ها و استخوان‌دان‌ها
۱۹۱	دين زردشتي سغدي
۱۹۲	۱. آتش
۱۹۴	۲. آيين هاي سوگواري
۱۹۶	۳. مضامين داستاني
۱۹۸	۴. نقش مایه‌های دینی
۱۹۹	تکثرگرایی دینی
۲۰۰	زردشتيان سغدي در شين جيان
۲۰۴	زردشتيان سغدي در چين

فصل ششم | گبر محله: زردشتيان در ايران اسلامي ۲۱۲

۲۱۳	نگاهداری آتش‌های فروزان: تاروژگار مغولان
۲۱۷	حفظ دين
۲۲۰	تداوم
۲۲۴	همانندی‌ها

۲۲۷ آیین‌های سوگواری و بازگشت
۲۲۸ شعله‌ای لرزان: از روزگار مغولان تا عصر حاضر

فصل هفتم | پارسیپانو: دین زردشتی در هند ۲۴۶

۲۴۶ یک قصه
۲۴۷ از جادی‌رانا تا مغولان
۲۵۵ ورود بریتانیا
۲۵۹ مبارزه برای باورها
۲۶۳ چالش‌های مبلغان دینی
۲۷۱ تنوسفی زردشتی: علم خشنوم
۲۷۳ ای دهمند نامت پارسی: ای پارسی نامت دهمند
۲۷۴ پارسیان در مهاجرنشین‌ها

فصل هشتم | زردشتیان اینک: بازنگری ۲۷۷

فصل نهم | زردشت: اکنون و گذشته ۲۹۵

۲۹۵ اکنون زردشت
۳۰۰ زردشت و آن‌گاه
۳۰۲ برداشت‌های بیرونی

پیوست‌ها ۳۰۷

۳۰۷ پیوست یک: گاه‌نگاشت متن‌ها
۳۰۹ پیوست دو: پنج‌گاه
۳۱۰ پیوست سه: ساختار یسنا
۳۱۲ پیوست چهار: گاه‌نگاشت رویدادهای مهم

فرهنگ نام‌ها و اصطلاحات ۳۱۵

بی‌نوشت‌ها ۳۲۱

منابع گزیده ۳۴۷

نمایه ۳۵۳

یادداشت مترجم

انتشار دستاوردهای پژوهشی درباره‌ی دین زردشتی از آغاز سده‌ی هجدهم میلادی و با انتشار کتاب توماس هاید آغاز شد و پس از آن تا به امروز صدها کتاب و مقاله در باب جنبه‌های گوناگون این موضوع منتشر شده است؛ از آن جمله کتاب‌هایی که سیر تاریخی این دین و تحولات آن را بررسی کرده‌اند. بزرگ‌ترین مشکل فراروی پژوهشگر این حوزه از همان آغاز — همچنان که نویسنده‌ی کتاب حاضر در دیباچه بدان پرداخته است — آن است که در واقع با دینی واحد در طی تاریخی چند هزارساله سروکار ندارد. با این همه، اغلب پژوهشگران موضوع را ساده کرده‌اند و دین زردشتی را صرفاً آن‌گونه که در متن‌های دینی، یا در چارچوب مرزهای جغرافیایی ایران امروز بازتاب داشته است، و صرفاً با تکیه بر دانش خود که محدود به یکی از حوزه‌های مطالعاتی (دین، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، هنر، تاریخ) بوده است، بررسی و معرفی کرده‌اند. چنین رویکردی موجب شده است تا بسیاری از جنبه‌های دینی که به نام پیامبرش دین زردشتی نام گرفته است، ناشناخته بماند.

جنی رُز، پژوهشگر مطالعات زردشتی، در این کتاب کوشیده است، علاوه بر پی‌گیری حضور دین زردشتی در سرزمین‌های دیگر، به‌ویژه در آسیای مرکزی و چین، این دین را به منزله‌ی دینی زنده اما رودررو با مسائلی که حیات آن را به خطر انداخته‌اند بشناساند. رویکرد تازه‌ی وی به مطالعه‌ی دین زردشتی در دیباچه‌اش به اجمال معرفی شده است. در برگردان این کتاب کوشیده‌ایم تا جای ممکن، به‌ویژه در انتقال منظور نویسنده و

حتی سبک او، امانت‌دار باشیم. نویسنده در یادداشتی چند خطای راه‌یافته به متن خود را یادآور شدند که این موارد به همراه چند خطای کوچک دیگر (عمدتاً در ضبط اصطلاحات، نام‌های خاص و چند ارجاع) و همچنین شماری توضیح اصلاحی یا افزوده‌ی لازم که به نظر مترجم رسید، در متن اعمال شده‌اند. گفتنی است که نویسنده برای بسیاری از نام‌های کتاب‌ها و نهادها اختصاراتی را به کار برده که در متن فارسی کارآیی چندانی ندارد، و حتی گاه خواندن متن و بهره‌گیری از آن را دشوار می‌سازد، از این رو این موارد را به صورت کامل آورده‌ایم. دیگر این که در ترجمه‌ی این اثر از برخی منابع بهره (به ویژه ترجمه‌های فارسی متن‌های کهن) جسته‌ایم که در کتاب‌نامه‌ی تکمیلی آن‌ها را ذکر کرده‌ایم.

مترجم سپاس‌گزار استاد گران‌قدر آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور است که این کتاب را برای ترجمه و چاپ در مجموعه‌ی اسطوره و آیین پیشنهاد کردند. از همکاران نشر چشمه نیز برای توجه خاص به این کتاب و چاپ آن به صورت شایسته سپاس‌گزاری می‌شود.

سپاس‌گزاری

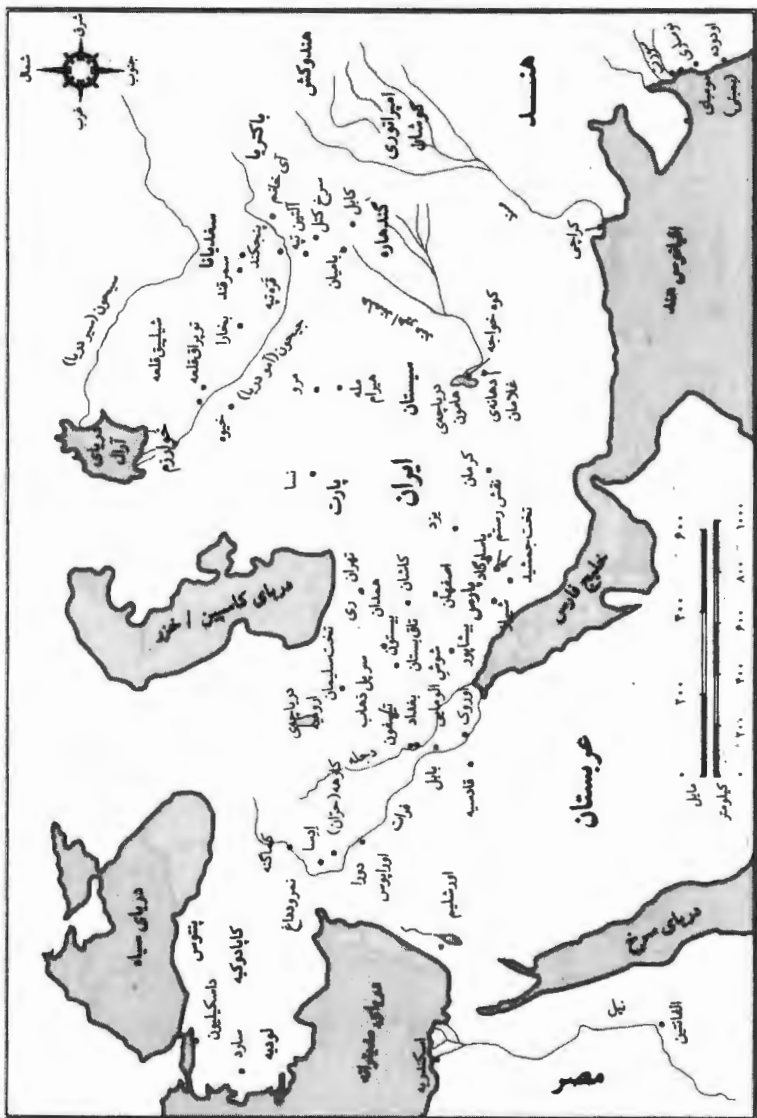
بررسی دین زردشتی مستلزم شناخت حوزه‌هایی است بسی بیش از آن‌چه کسی بتواند در طول عمر خود در آن‌ها تبصر یابد. این حوزه‌ها شامل تاریخ هنر، باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، سکه‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات کلاسیک، و نیز مطالعات آسیای مرکزی و چین‌شناسی است. از این‌رو، من به‌گسترده‌گی — و با شرمساری — نظر کارشناسانه‌ی همکارانی از رشته‌های گوناگون زردشتیانی از سراسر جهان را برای کمک به پُر کردن خلأهای دانش خویش در کار آورده‌ام.

بنابراین مایلم مراتب سپاس‌گزاری خویش را به اینان تقدیم کنم که یا دست‌نوشته‌هایم را خواندند و بر آن‌ها حاشیه نوشتند یا پاسخ‌گوی سیل پرسش‌هایم بودند و برخی عزیزان که هر دو را انجام دادند: پُراس بلسارا، کارلو چرتی، جمشید چاکسی، وستا کرتیس، تورج دریایی، مَلکُم دِبو، آلبرت دین، شُرِنَا کورتسیکیدزه، کریستیان لوکزانیتس، جِسی پالستیا، مارتین شوارتس، نیکلاس سیمز ویلیامز، اُکتار شروو، میشانیل اشتاوسبرگ، مَت استولپر، دیوید استروناخ، جمشید وَرزا، فیروزه واسونیا و یوهان وِواینا. آلموت هینتسه، شایسته‌ی دریافت نشان است که جزئیات متن نهایی را با چشم تیزش دلسوزانه مطالعه کرد. سپاس ویژه دارم از پُراس و بُرزین بلسارا، منیژه و بهرام دِبو، نیکان اُشیدری، دکتر موبد رستم وحیدی، پرویز و سوسن وَرجاوُند، جمشید وَرزا و آناهیتا سیدوا، که تجربه‌ها و نظرهای شخصی‌شان را با من در میان گذاشتند، و نیز از زردشتیان تفت و مزرعه‌ی کلاتر در ایران که بهار ۲۰۰۹ (۱۳۸۸ش) مرا در خانه‌های‌شان و نیز در «درِ مهر» پذیرا شدند.

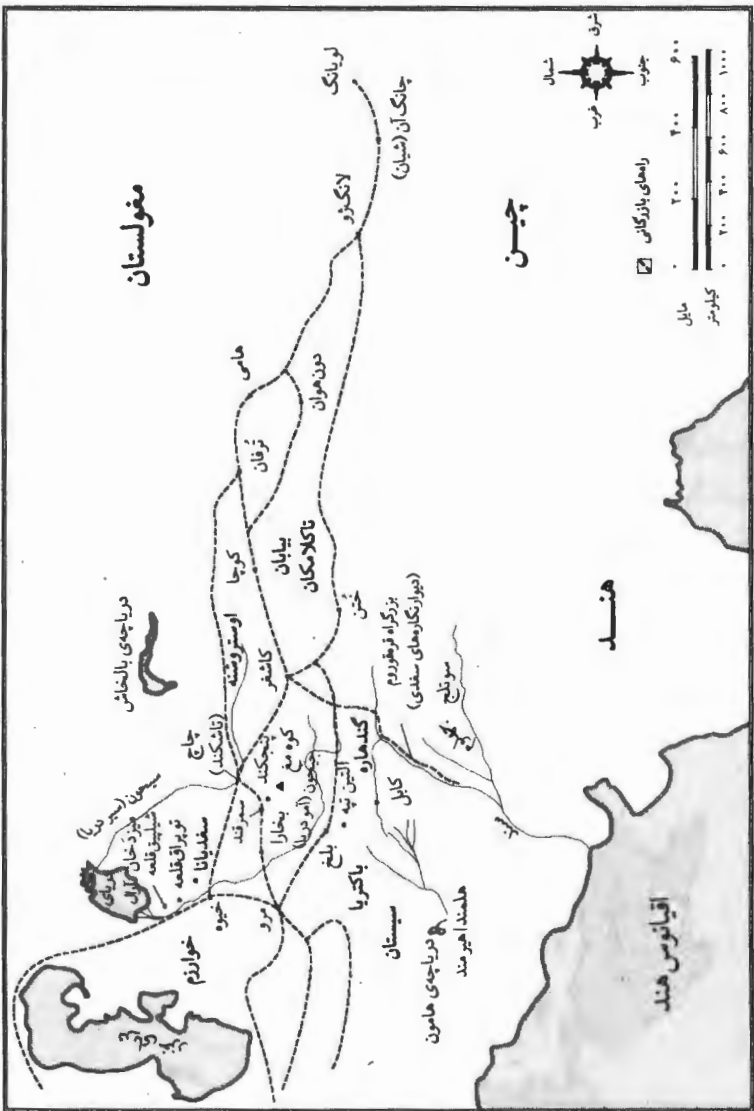
سپاس گزارم از پُراس بلسارا، فرانتس گزُنه، هاجیمه ایناگاکِی، باربارا کایم، جودیت لِرِیز و کیوان صفدری برای تصویرهای بی‌نظیری که در اختیارم نهادند، و نیز از لوکاس شولته، دانشجوی دانشگاه کلرمونت، برای پاره‌ای اصلاحات ارزشمند. همچنین وام‌دار همسرم بروس بندیکت هستم که مهارت‌های روزنامه‌نگاری و نیز توانایی‌هایش را در نهایی کردن متن و ویرایش عکس‌ها به کار بست و همواره پاسخ‌گوی مشکلاتی بود که به کار راه می‌یابند.

جان هینلز، که دلاورانه تمام دست‌نویس را خواند و آن را بهتر ساخت، شایان یادآوری ویژه و سپاس بسیار است. هنگامی که در حال نگارش پایان‌نامه‌ی ارشدم بودم، ساعات بسیاری را در کتاب‌خانه‌ی شخصی جان در منچستر گذراندم. او، به خاطر پشتیبانی همیشگی‌اش از آنان که می‌خواهند بیش‌تر درباره‌ی دین زردشتی بدانند، درخور سپاس ویژه است.

جنی رز
میشن ویجو، کالیفرنیا



نقشه ۱. جای‌های اصلی ذکر شده در متن از دوره‌های تاریخی گوناگون



نقشه‌ی ۲. محوطه‌های خوارزمی و سُغدی، سده‌های چهارم تا نهم میلادی



نقشه‌ی ۳. شهرهای آمریکای شمالی دارای گروه‌ها یا انجمن‌های زردشتی و درِ مهر،
براساس اطلاعات نشریه‌ی فزان (زمستان ۲۰۰۴)، ۵۹-۵۵

دیباچه‌ای بر دین زردشتی

بخش اول: در این «ایسم» چه چیزی هست؟

بیش تر متن‌های نوشته‌شده در معرفی دین زردشتی با یک عبارت مهم آغاز می‌شوند: «این دین یکی از کهن‌ترین دین‌های جهان است»، که البته این‌گونه هم هست؛ با این همه، هیچ اتفاق نظری نیست که عنوان «دین زردشتی» (Zoroastrianism) در همان آغاز پیدایی این دین به کار رفته است یا در مراحل بعدی. استفاده از یک عنوان — نظیر بودیسم، کریستیانیسم (مسیحیت)، یا در این مورد، زُراستریانیسم (دین زردشتی) — یک ماهیت پایا را نشان می‌دهد که آسان‌تر فراچنگ می‌آید، ولی به چیزی یکپارچه فروکاسته شده است که نه گستره‌ی باورها و آداب دینی آن را بازتاب می‌دهد و نه تحول تاریخی‌اش را. این رویکرد بسته و تک‌بعدی به هر دینی، که در طول سده‌های متمادی پدید آمده و در زمینه‌ها و موقعیت‌های فرهنگی گوناگون حفظ و دنبال شده است، دیگر در مطالعات علمی دین‌ها جایی ندارد.

دین‌ها به دنیا می‌آیند و در زمینه‌های اجتماعی — سیاسی و فرهنگی سیال و پیوسته در تغییر می‌بالند. بنابراین هرگونه تحلیل علمی می‌بایستی تأثیر متقابل میان چنین موقعیت‌ها و نیز عقاید پدیدآمده را در نظر داشته باشد. به علت قدمت این دین، دشوار است به اجمال بگوییم که دین زردشتی در گذشته چه بوده است. شیوه‌ای که با آن مؤلفی امروزی این دین را تعریف می‌کند ناچار تحت تأثیر مواد شناخت آن خواهد بود. معضل من این است:

این رشته‌تفسیرهای مختلف تاریخی و فرهنگی پدیدآمده دین زردشتی را چگونه نشان می‌دهند؟ و در همان حال، آیا تداوم برخی مضامین شاخص را، که از قدیم‌ترین ایام تا امروز وجود دارند، باز می‌شناسانند؟

وظیفه‌ی تعیین آن‌چه «دین زردشتی» را در هر نقطه‌ی معین از زمان تشکیل می‌دهد، با ارائه‌ی کشفیات باستان‌شناسی و زبان‌شناسی پُربارتر و درعین حال مشکل‌تر می‌شود و این‌که چشم‌اندازهای تازه‌ای به دست می‌آید که ما را به بازنگری این اصطلاح برمی‌انگیزاند. برای نمونه، تا این اواخر پذیرفته بودند که دین زردشتی دوره‌ی ساسانی (حدود ۲۲۴ تا میانه‌ی سده‌ی هفتم میلادی) آشکارا بیش‌تر در «راست‌کیشی» نوشته‌های موبدانه‌ی فارسی میانه نمود داشت. این فرض را تا اندازه‌ای از آن‌رو می‌گرفتند که هیچ تصور واقعی از دیگر اشکال نمودیافته‌ی این دین، در درون مرزهای ایران یا ورای آن، وجود نداشت. اما تنها در همین چند دهه‌ی اخیر، نمونه‌هایی قطعی از بازمانده‌ی آیین‌های هم‌بدعتی و هم‌محلی زردشتی، در موضعی از ارمنستان، گرجستان، و آسیای مرکزی، و نیز در خود ایران پیدا شده است. بررسی دقیق‌تر متن‌های فارسی میانه نیز آشکار ساخته است که این متن‌ها بسی متنوع‌تر و متناقض‌تر از آن‌اند که پیش‌تر فهمیده می‌شدند.

پس، در هر زمان معین، ذکر «باورها و آداب دینی زردشتی» و «جوامع زردشتی» به صورت جمع — یا حتی «دین‌های زردشتی» — درست‌تر است تا به کار بردن برچسب واحد «دین زردشتی». سخن گفتن به این صورت جمع، همچنین اذعان به این روایت و نیز تخصیص و مصادره‌ی این دین و بنیان‌گذارش زردشت، که این دین به نام اوست، هم از سوی زردشتیان و هم بیگانگان است. هرودت نخستین کسی بود که درباره‌ی باورها و آداب دینی ایرانیان باستان در اواخر سده‌ی پنجم پیش از میلاد نوشت. این الگوی تخصیص و بازتفسیر، که تاریخ‌نگاران و شاعران دوره‌ی اسلامی میان سده‌های نهم و سیزدهم میلادی (سوم تا هفتم هجری) آن را تحکیم بخشیدند، تا روزگار کنونی نیز ادامه داشته است. آشفتنگی این چنینی منابع به تکرار رویکردها و نیز واگرایی در هر دو نگرش، هم در نوشته‌های پژوهشی و هم در جوامع زردشتی، منجر شده است. بهترین مثال این واگرایی در قلمرو زبان‌شناسی است، یعنی حوزه‌ای مطالعاتی که برای هرگونه فهم از

تاریخ دین براساس متون آن مهم است، ولی اغلب، به خاطر گرایش برخی مترجمان به پیش فرض‌هایی الاهیاتی و مردم‌شناختی، و نه تحلیل‌های ناب علمی، کژتایی‌هایی به وجود می‌آورد. پس کم‌ترین چیزی که می‌توان گفت این است که این اصطلاح «زُراستریانیسم» (دین زردشتی) تا اندازه‌ای فریبنده است، زیرا بسته به شخصی که آن را به کار می‌برد بازتاب‌های متفاوتی دارد. کوشش‌های اخیر برای تحلیل و مقوله‌بندی انواع رویکردها به این دین، که در آن، چنین رده‌بندی‌ای دیگران را به کناری می‌نهد، خوشایند نیست و این در حالی است که در حقیقت هر رویکردی عناصری مشترک و هم‌پوشان با بقیه دارد. (۱)

در سالیان اخیر، دین‌ورزان کاربرد اصطلاح «زُراستریانیسم» را برای این دین، از آن‌رو که واژه‌ای یونانی (و «بیرونی») است و نه ایرانی («درونی»)، زیر سؤال برده‌اند. به تشخیص اینان، گفتن زُراستریانیسم به کارگیری ساختی است که بیگانگان بر این دین تحمیل کرده‌اند. صورت یونانی زُراسترس (Zoroastres) را نخستین بار کُسانتوس لودیایی در میانه‌ی سده‌ی پنجم میلادی و در مورد «راست‌کیشی» خودخوانده‌ی نوشته‌های فارسی میانه به کار برد که مبنایی شد برای صورت‌های بعدی اروپایی این نام، تا زمانی که نیچه صورت ایرانی زَرثوشتَرَه (Zarathushtra) را همگانی ساخت. برخی هواداران، برای اشاره به دین‌شان، اصطلاحات ایرانی «مَزْدَیْسَنَه» (مزدپرست)، «دین مَزْدَیْسَنی» (دین مزدپرستی) یا «دَئِنَا وَ نَگهویی» به معنای «دین به» را برگزیده‌اند. اصطلاح اخیر به معنای «دین خوب» است و در گاهان (یسن ۵۳، بند ۴) یعنی کهن‌ترین متن‌های این دین، آمده است. واژه‌ی دَئِنَا از ریشه‌ای گرفته شده که به معنای «دیدن» است و از این‌رو چیزی مانند «بینش [دینی]» معنا می‌دهد. این تعبیر در متن‌های پهلوی به «وه دین» برگردانده شده و در فارسی به صورت «به‌دین» درآمده است. در یک متن فارسی میانه آمده که واژه‌ی dēn به معنای «دریای مانثره (manthra) یا کلام مقدس» است. (۲) زردشتیان امروزه هنگام نامیدن دین‌شان شکلی از این مفهوم را به صورت «دین زرتشتی» به کار می‌برند. استفاده از مَزْدَیْسَنَه یا مزدایی، به اصطلاحات باستانی‌ای که آن‌ها برای نامیدن خود به کار می‌بردند نزدیک‌تر است، اما برای مخاطبان معمولی کم‌تر قابل فهم است. بنابراین در این کتاب اصطلاحات «زردشتی» و «دین زردشتی» می‌آیند، البته با به خاطر داشتن تذکره‌های

پیش‌گفته به‌ویژه که در تعریف این دین به منزله‌ی اصلاحات زردشتی، خود زردشت فرایاد نمی‌آید و حتی نامش ذکر نمی‌شود.

بسیاری از زردشتیان هند همچنان اصطلاح قومی - دینی «پارسی» را به کار می‌برند که اشاره به ریشه‌ی پارسی / ایرانی یک‌هزارساله‌ی ایشان دارد. مهاجران زردشتی بعدی از ایران به هند، به «ایرانی» شهرت یافته‌اند. این اختلاف در معرفی، در کنار بحث‌های رایج در میان زردشتیان در خصوص آموزه‌ها و آیین‌ها و آداب بنیادین این دین، تأثیرگذار بوده است. تردید هست که در میان این گروه‌های گوناگون، یک آگاهی عمومی در خصوص این مسائل سرنوشت‌ساز و خطیر یافت شود، گو این‌که بر سر برخی عناصر اصلی شاید بشود توافق کرد. زردشتیان گاهان را متن موثق و آموزه‌های اصیل زردشت می‌دانند. از نظر برخی، هر چیزی که مغایر با آموزه‌ی گاهانی تعبیر شود، ولو جزء سنتی مستمر باشد، زردشتی اصیل در نظر نمی‌آید. این مسئله‌ی تا اندازه‌ای متأخرتر، که مطالب غیرگاهانی استمرار یا انحراف در باورها و آداب دینی را نشان می‌دهند، در سده‌ی نوزدهم میلادی سبب برآورد، ولی تا به امروز به گوش پژوهشگران زردشتی و غیرزردشتی ای می‌رسد که به باور برخی از ایشان هر چیز نامربوط و اضافه بر گاهان را نباید «دین زردشتی پساگاهانی» یا «مزدپرستی پساگاهانی» دانست.

هدف از نگارش این کتاب معرفی راه‌هایی هم به صورت واقعی و هم به معنای راستین کلمه است که این دین در طول تاریخ بر بستر آن‌ها انتقال یافته، و به این ترتیب به دست دادن چشم‌اندازهایی نو برای فهمی از دین زردشتی است. این راه‌ها اغلب به قلمروهایی ناهموار یا ناشناخته و مخاطره‌آمیز ختم می‌شوند و پیچیدگی‌هایی را بازتاب می‌دهند که لازمه‌اش رمزگشایی این رد پاهای گوناگون است تا این مسیر را هموار کنند.

بخش دوم: وضعیت

در این کتاب، کاوش در «دین زردشتی»، با توجه به صورت‌های گوناگونی از این دین آغاز می‌شود که امروزه پیروان اندک‌شمار آن با پیش‌زمینه‌های بسیار متفاوت ارائه می‌کنند.

کاوش ما با این پرسش آغاز می‌گردد و پایان می‌یابد که «زردشتی کیست؟» بهترین رویکرد به این پرسش از طریق آگاهی از رشته تعاریفی است که نظریات جاری درباره‌ی این دین به دست می‌دهند. زردشتیان، بر پایه‌ی این پرسش (و همچنین بر اساس فهم متفاوت‌شان از مسائلی از قبیل الاهیات و گزوش به دین و زناشویی‌های دگرگشتی) به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند، اما عموماً در حفظ برگزاری آیین‌های جشن‌های فصلی، مراسم کُستی بستن، و برخی آداب از جمله نمازهای روزانه، وحدت رویه دارند. پژوهشگران، در چندین مطالعه‌ی موردی، این هسته‌ی مشترک دین عملی را بررسی کرده‌اند. تأکید این بخش آغازین بر کسی است که زردشتی است، نه آن که نیست.

نقشه‌ی دین زردشتی

به نظر من، هر کوششی برای بازآفرینی صورت اصیل و دست‌نخورده‌ی این دین کوششی است متعلق به قلمرو این جامعه‌ی دینی و نه رویکردی پژوهشی. روش مناسب برای یک متن مقدماتی، نظیر این اثر، پی‌گیری تحول این دین از کهن‌ترین سروده‌های شفاهی آن تا متن‌های مکتوب متأخرتر، دینی و غیردینی، به همراه شعائر و مناسک فردی و همگانی آن است. با این همه، به نظر من، این تجربه‌ای است متکی بر دسترسی متغیر و ماهیت منابع، و دربردارنده‌ی پیش‌داوری است برحسب تفسیر این منابع.

خطر رویکردی بنیادگرایانه هم وجود دارد. برای پرهیز از آن، کوشیده‌ام بر مضامین و موضوعات متناوبی متمرکز شوم که مربوط به مسائل اساسی در خصوص خاستگاه‌ها، هدف و رویدادهای پایان جهان‌اند. ترسیم نقشه‌ی زمانی از سیر این دین از دوره‌ی پیش از تاریخ، و کوچ ایرانیان به این فلات، سه شاهنشاهی ایرانی، و سپس پراکنش، (۳) از رهگذر نقاطی معین در زمان، به ردیابی تحول باورها، آیین‌ها و مایه‌های شاخص دین زردشتی کمک می‌کند. ترسیم چنین نقشه‌ای همچنین مستلزم توجه به عقاید فراگیر در هر محیط تاریخی، و رمزگشایی سرنخ‌های باستان‌شناختی، جغرافیایی و زبان‌شناختی‌ای است که نقاط تعامل با دیگر ادیان و فرهنگ‌های خاور نزدیک باستان، یونان، هند، آسیای مرکزی و چین را نشان می‌دهند. در این طرح، بررسی تاریخ صرفاً سیاسی و اجتماعی مردم ایران

کنار نهاده شده و برای جبران این کمبود، فهرستی از منابع پیشنهادی در پایان کتاب آمده است.

نقش‌های ما با ظهور ایرانیان و هندوآریاییان، به منزله‌ی اقوامی جدا ولی مرتبط با هم، که روزگاری زبان و اسطوره‌های مشترکی داشتند، آغاز می‌شود. کاوش در مشترکات و اگرایی‌های میان جهان‌بینی ریگ‌ودای سنسکریت و اوستای گاهانی، راهی است برای تعیین مقولات اصیل در «بینش زردشتی» آن‌گونه که در گاهان و دیگر متن‌های ادبیات شفاهی ایرانی باستان معرفی شده‌اند. این رویکرد به مشخص کردن مضامین و نمادهایی کمک می‌کند که در سراسر تاریخ این دین تکرار می‌شوند.

کهن‌ترین شواهد عینی از نمود عقاید ایرانی را در یادمان‌های هنری، معماری و کتیبه‌های فارسی باستان یا شاهنشاهی هخامنشی (حدود ۵۵۰ تا ۳۳۰ پم)، همراه با یافته‌هایی کوچک‌تر، شامل مهرهای شخصی و گِل نوشته‌های مالی، می‌توان دید. این‌گونه مواد، شناختی از درون برخی مظاهر و آداب دینی ایرانیان باستان به دست می‌دهند، و همراه با گزارش‌های یونانی و متن‌های اوستایی آن روزگار، در پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی در خصوص دلالت و کاربرد اصطلاح «زردشتی» در این دوره یاری می‌رسانند. همچنان که خود ایرانیان بیش‌تر تثبیت می‌شدند، دین‌شان نیز سازمان‌یافته‌تر می‌شد و این موضوع از گسترش عبادت در پرستشگاه و ایجاد یک سازمان روحانیت ملازم آن پیداست.

از پی تازش اسکندر مقدونی، فرهنگ یونانی تأثیر چشم‌گیری بر سراسر ایران، به‌ویژه از لحاظ زبان، شمایل‌پردازی و آداب اجتماعی، بر جای نهاد. تا این اواخر، نبود مواد درونی از ایران سلوکی و اشکانی این دیدگاه را تقویت می‌کرد که دین زردشتی به دست فراموشی سپرده شده بود تا این‌که ساسانیان آن را «دوباره زنده» ساختند. ولی داده‌های نوشتاری روی سفالینه‌ها، نقش‌های سنگی، چرم‌نوشته و سکه‌ها، که در چند دهه‌ی گذشته رمزگشایی و بازخوانی شده‌اند با این دیدگاه ناسازند و برعکس، تداوم و تحولی را در درون دین در دوره‌های سلوکی و اشکانی نشان می‌دهند. اشارات نویسندگان یونانی، رومی، چینی، و یهودی، و ردیه‌نویسان مسیحی - ارنی، مستندات بیرونی برای دین زردشتی اشکانی (حدود ۲۵۰ م تا ۲۲۴ پم) به دست می‌دهند. گوناگونی و اختلاف

این منابع حاکی از تعاملی میان فرهنگ‌های ایرانی و پیرامونی است، و طی این دوره است که برخی مایه‌های زردشتی به درون باورهای مکاشفه‌ای خاور نزدیک، از جمله نوشته‌های مکاشفه‌ای یهودی، اساطیر گنوسی، برخی از نوشته‌های صدر مسیحیت، و همچنین به شمایل‌پردازی اولیه‌ی بودایی، رخنه می‌کنند.

دوره‌ی پس از آن، یعنی عصر ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱م)، هم در منابع درونی و هم بیرونی، به خوبی ثبت و ضبط شده است. متن‌های فارسی میانه، شامل کتیبه‌های سنگی و یادمانی‌اند و چندین متن دینی مهم نوشته‌شده در سده‌های نهم و دهم میلادی (سوم و چهارم هجری)، که الاهیات، شعایر، و قوانین مدنی و دینی ساسانی، و تاریخ اساطیری را بازتاب می‌دهند. این‌ها به همراه متن‌های سریانی و اسلامی متأخرتر، به ما می‌گویند که با پیشرفت این سلسله روحانیت زردشتی نیز قدرت بیش‌تری یافت و آتشکده‌های وقفی کانون‌های قدرتمندی شدند. این تحکیم و تثبیت در همان زمانی رخ داد که دین زردشتی در ایران، برای تفوق یافتن، در کشاکش با فعالیت‌های مبلغان مسیحی در غرب، آیین بودا در شرق و مانویت در درون بود. این دین اخیر عناصر آشنایی از گیهان‌شناسی و فرجام‌شناسی زردشتی را وارد واژگان خود ساخت.

در سال‌های اخیر، صورتی از دین زردشتی ایران ساسانی، در آسیای مرکزی، به‌ویژه در سُغد، رخ نموده است. این موضوع بُعد تازه‌ی ارزشمندی به مطالعه‌ی این دین افزوده است. هم ساسانیان و هم سغدیان آتشکده‌هایی در چینِ دوره‌ی تانگ بر پا داشتند که نشان‌دهنده‌ی سرآغاز شکل‌گیری یک مهاجرنشین زردشتی در بیرون از ایران بزرگ است. مرگ واپسین شاه ساسانی، یزدگرد سوم، در سال ۶۵۱م و تسلیم مَر و به مسلمانان عرب، نشانه‌ی پایان حاکمیت زردشتی بر ایران است. با این‌همه، زردشتیان تا چند نسل مناصب دیوانی خود را حفظ کردند، و میراث فرهنگی و دینی ایرانی تأثیری دیرپا در پیشرفت اسلام در این ناحیه و فراتر از آن داشت. تاریخ‌نامه‌های عربی‌زبان آگاهی‌های بسیاری درباره‌ی زردشتیان ایران در نخستین سده‌های اسلامی به دست می‌دهند. پس از آن، نامه‌های ارسالی از ایران به سوی پارسیان هند آگاهی‌های فراوانی درباره‌ی حیات دینی هر دو جامعه در دوره‌ی میان سده‌های پانزدهم و هجدهم میلادی (نهم تا

دوازدهم هجری) به ما می‌دهند. ما از منابع گجراتی و گزارش‌های مسافران اروپایی، درباره‌ی حیات شهرها و روستاهای زردشتی در هر دو کشور در این دوره آگاهی‌های بسیار می‌یابیم.

در پایان سده‌ی دهم میلادی (چهارم هجری) دوره‌ای از مهاجرت فزاینده‌ی زردشتیان به غرب هند، از راه دریا و خشکی، آغاز شد. پارسیان در مجموع با همسایگان هندو، و سپس مسلمانان، در صلح و آرامش زیسته‌اند. آنان جامه‌ی هندیان را پذیرفتند، به گجراتی سخن گفتند، و دست از کشتن گاو و خوک برداشتند، ولی آداب دینی زردشتی، از جمله دخمه‌گذاری مُردگان، پرستش آتش در آتشکده، و بسیاری از آیین‌های بومی را که در ایران نیز همچنان برگزار می‌شدند، پی گرفتند. در اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی، مبلغان مسیحی، که بسیاری از آنان متن‌های اوستایی و پهلوی را، البته براساس ترجمه‌های متأخر، نیک خوانده بودند، پارسیان را به مبارزه فراخواندند. این موضوع موبدان و سران جامعه‌ی پارسی را برانگیخت تا دین خود را بهتر بیاموزند و برخی از آنان برای این کار به اروپا و امریکا هم سفر کردند. تا این زمان پارسیان موقعیت خود را در تجارت و صنایع مربوط به آن تثبیت کرده، و بسیاری از آنان در جست‌وجوی فرصت‌های اقتصادی در جاهایی چون هنگ‌کنگ، شرق آفریقا، و بریتانیا به سفرهای دورودراز رفته بودند.

این بررسی در زمانی تاریخ‌کیش زردشت، با مطالعه‌ی طیف واکنش‌های زردشتیان، که در زیر لوای حکومت مسلمانان، هندوها، و بریتانیا، به منزله‌ی «غیر» و «دیگری» زیستند، پایان می‌یابد. چنین برخوردی، به‌ویژه با «غیر» اروپایی، چه تأثیری بر تصور زردشتیان از خود داشت و دارد؟ پژوهشگران اروپایی نسبت به دین زردشتی دیدگاهی خاص خود را یافته‌اند که این دیدگاه سپس به فرهنگ زردشتی بازخورانده شد. تأثیر این جدل بر خودشناسی زردشتیان تا به امروز ادامه دارد، ولی پژوهش‌های غربی به صورت فزاینده‌ای در معرض هشدار هواداران این دین است که به باور ایشان اختلاف در برگردان‌های تحقیقی از گاهان نشان‌دهنده‌ی رویکرد سترون و نافرجام آنان به این دین است. فراوانی مطالب دسترس در وبگاه‌ها، اطلاعات (و نااطلاعات) را در اختیار همه قرار می‌دهد، و بحث بر سر «موضوعات داغ» زردشتی در محافل عمومی همچنان ادامه دارد.

زردشت

پایان این کتاب بر شخصیت زردشت تمرکز دارد، و با اهمیت سراینده‌ی گاهان برای زردشتیان امروز آغاز می‌شود. هر چند، از یک دوره‌ی کهن تا اواخر دوره‌ی ساسانی، حامیان این دین مشهور به «زرتشتی» هستند، تمرکز متن‌های درونی و بیرونی — می‌توان پذیرفت که آداب — کاملاً بر پرستش مزدا یا همان مزدیسنا است. زردشت که از همان آغاز در متن‌های دینی معرفی می‌شود، نامش در هیچ‌یک از کتیبه‌های رسمی سه شاهنشاهی ایرانی نمی‌آید.

تصور زردشتی از زردشت دربرگیرنده‌ی چندین شخصیت است و مناقشه‌نه‌تنها بر سر شخصیت وی، بلکه بر سر معنای نامش نیز ادامه دارد. به تعبیر نیچه: زردشت کیست؟ دینمرد؟ پیامبری انقلابی؟ فیلسوفی روشنگر؟ آیین‌گذار؟ معجزه‌گر؟ شخصیتی تاریخی؟ یا زاده‌ی خیال مؤمنان؟ در سراسر تاریخ، از جزئیات ناچیز سرگذشت او در اوستای متأخر گرفته تا سرگذشت‌نامه‌های کامل و تمام‌عیار او در نوشته‌های فارسی میانه و فارسی نو، بسیاری کسان برای بازسازی شخصیت زردشت کوشیده‌اند. تصرفات بیرونی درباره‌ی زردشت، از دوره‌ی یونان قدیم تا داستان‌پردازان، سفرنامه‌نویسان، و حتی برخی هنرمندان و فیلم‌سازان مطرح امروزی ادامه داشته است.

بی‌نوشت

نیک آگاهم که من نیز در این فرآیند بازگویی سرگذشت زردشت و دین زردشتی شریکم و مطالعات من در زمینه‌ی تاریخ ادیان و زبان‌ها و فرهنگ(های) ایرانی، پیش‌داوری‌هایی اعتقادی و روایی را شکل داده‌اند؛ گو این‌که عامل اصلی در این پیش‌داوری چه‌بسا این واقعیت باشد که مادر بزرگ من پارسی بود. پیوستگی تبار من به سرگذشت و تاریخ زردشتی‌گرایی درونی به همراه می‌آورد که انگیزه‌ی مهمی در پژوهش‌ها و نوشته‌هایم بوده است. با این حال، کوشیده‌ام در مطالعه و نیز آموزش این دین میان روایت شخصی و واقعیت‌های علمی، که اغلب ناهماهنگ می‌نمایند، توازنی برقرار سازم.

